

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ «الْحَصْر»:

- (١) لَا يُبَيِّنُ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالدِّينَ الْحَقَّ إِلَّا الرَّسُلُ الْمُبَشِّرُونَ!
- (٢) مَا أَقَامَ الْوَجْهَ لِلدِّينِ حَنِيفاً إِلَّا مَنْ لَا يَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ!
- (٣) مَا حَمَلَ الْفَأْسَ لِكَسْرِ الْأَصْنَامِ إِلَّا مَنْ أَطْمَأَنَّ بِعَمَلِهِ!
- (٤) لَا يَتَعَلَّمُ الدَّرْسَ أَحَدٌ إِلَّا الَّذِي كَانَ مِنَ الْمُسْتَمْعِينَ!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. اسلوب حصر، در جملاتی وجود دارد که: (١) منفی یا سوآلی باشند و (٢) مستثنی منه هم حذف شده باشد، در گزینه‌ی ٤، «أحد» مستثنی منه است که موجود است، بنابراین حصر نداریم. در سایر گزینه‌ها مستثنی منه حذف شده است و اسلوب حصر وجود دارد.

عَيْنَ مَا لَا نَرْجُو وَقُوْعَهُ:

(۱) لَعَلَّ الْفَوْزَ حَلِيفَكَ فِي الدُّنْيَا!

(۲) كَأَنَّ الْخَيْرَ يَنْزِلُ عَلَيْكَ قَرِيبًا!

(۳) لَيْتَ النَّجَاحَ يَتَحَقَّقُ فِي حَيَاتِكَ!

(۴) يَدَّعِي أَنَّهُ كَرِيمٌ لَكِنَّ الْوَاقِعَ لَا يُؤَيِّدُ ذَلِكَ!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی صورت سؤال: «مشخص کن آنچه را که به وقوع‌ش امید نداریم» ، «لیت» به

معنی «کاش» یکی از حروف مشبّهة بالفعل است که بر آرزوهای دور و دراز و نزدیک به محال دلالت دارد ، بنابراین

گزینه‌ی ۳ جواب است. دقت کنید که «لعلّ» به معنی «شاید، امید است» بر امیدواری و آرزوهای نزدیک دلالت دارد.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْلُوبُ الشَّرْطِ:

- (۱) مَنْ لَا يَتَدَخَّلُ فِي مَوْضُوعٍ لَا يَرْتَبِطُ بِهِ يَعْمَلُ عَمَلًا عَقْلَانِيًّا!
- (۲) مَنْ رَأَيْتَ مِنَ الْأَصْدِقَاءِ يَدْعُوكَ إِلَى الْخَيْرِ فَجَلِّهِ تَبْجِيلًا!
- (۳) مَنْ لَمْ يَقُلْ كُلَّ مَا عَلِمَ فَهُوَ يُبْعَدُ نَفْسَهُ عَنِ الْخَطَا!
- (۴) مَنْ بُعِثَ لِيَتَمَّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ هُوَ النَّبِيُّ الْأَكْرَمُ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۴، اسلوب شرط وجود ندارد، اگر بخواهیم «بُعث» را فعل شرط بگیریم، جمله‌ی «هُوَ النَّبِيُّ الْأَكْرَمُ» نمی‌تواند جواب شرط باشد، زیرا هرگاه جواب شرط جمله‌ی اسمیه باشد، باید در ابتدایش حرف «ف» بیاید. (یعنی اگر به صورت «فَهُوَ النَّبِيُّ الْأَكْرَمُ» می‌آمد، می‌توانست جواب شرط باشد).

دقت کنید که در این جا «من» به صورت «کسی که» ترجمه می‌شود. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «لَا يَتَدَخَّلُ» فعل شرط و «يَعْمَلُ» جواب شرط است.

گزینه‌ی ۲: «رَأَيْتَ» فعل شرط و «بَجَلِّ» جواب شرط است.

گزینه‌ی ۳: «لَمْ يَقُلْ» فعل شرط و «يُبْعَدُ» جواب شرط است.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ «اسم التفضيل»:

(۱) أفاضلنا من يُحِبُّون العلم و يعلمون به!

(۳) حَسَن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!

(۲) أَحَبَّ المعلمين الذين ينفعون الناس بأعمالهم!

(۳) أَحَبَّ إخواننا من يُرشدوننا إلى فهم عيوبنا بكلام لَيِّن!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «أَحِبُّ» بر وزن «أَفْعَل» نیست، بلکه فعلی مضارع بر وزن «يُفْعِلُ» و از باب افعال است.

(ترجمه‌ی عبارت: معلمانی را که با کارهایشان به مردم سود می‌رسانند، دوست دارم!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «أفاضل» جمع مکسر «أفضل» و اسم تفضیل است.

گزینه‌ی ۳: «أثقل» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

گزینه‌ی ۴: «أَحَبُّ» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

نکته‌ی مهم درسی: اسم‌هایی به شکل «أَفْعَ و أفعَى» بر وزن «أَفْعَل» هستند و می‌توانند اسم تفضیل باشند.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمْعٌ سَالِمٌ لِّلْمَوْئِثِ:

(١) مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِشَاشَةِ الْوَجْهِ!

(٣) الْأَرْضُ كُرَّةٌ مِنَ الْكُرَاتِ فِي الْفِضَاءِ!

(٢) دَفَعْتُ لَهُ مَقْدَاراً مِنَ الرِّيَالَاتِ الَّتِي كَانَتْ مَعِي!

(٤) الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَيْسُوا مِنَ الْأَمْوَاتِ!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. «الأموات» جمع مکسر «المیت» است ، دقت کنید اگر «ات» را از آخر این اسم جمع حذف کنیم، مفرد کلمه به دست نمی آید، بنابراین اگر چه این اسم در آخر خود علامت «ات» دارد، جمع مکسر است، نه مؤنث سالم!

در سایر گزینه‌ها: «صفات، الريالات، الكرات» جمع مؤنث سالم هستند.

عیّن ما فيه المترادف:

(۱) ازدادت المفردات العربيّة في الفارسيّة بعد ظهور الإسلام!

(۲) بعد أن نزل الماء من السّماء أصبحت الأرض مخضرة!

(۳) دارنا في هذا الشّارع ولكنّ بيت زميلي في شارع آخر!

(۴) أصبح المؤمنون بنعمة ربّهم إخواناً!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «بيت» و «دار» هر دو به معنی «خانه» و با هم مترادف اند.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) الذَّنُوبُ الْكُبْرَى: إثم

(۳) مَنْ لَا يُرَاعِي الْقَانُونَ: مُشَاغِب

(۲) الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ: تَائِب

(۴) مَنْ يَتَكَلَّمُ بِصَوْتٍ ضَعِيفٍ: هَمَس

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. توضیح «کسی که قانون را رعایت نمی کند!» برای کلمه‌ی «المُشاغِب» (شلوغ کار و

اخلال گر) مناسب است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: گناهان بزرگ: «الکبائر» صحیح است.

گزینه‌ی ۲: کسی که توبه را می پذیرد: «التَّوَّاب» صحیح است. («التَّائِب» اسم فاعل و به معنی «توبه کننده» است.)

گزینه‌ی ۴: کسی که با صدایی ضعیف صحبت می کند: «همس» نادرست است، زیرا فعلی ماضی به معنای «آهسته

صحبت کرد» است.

عَيْنَ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهِدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَّرَةً!

(۲) الْكَأْسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ فِيهَا الْمَاءُ أَوِ الشَّايُّ أَوِ الْقَهْوَةُ!

(۳) إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَيَّ مَرَّةً الْعُصُورِ!

(۴) قَرَّرَ أَرْبَعَةٌ طُلَّابٌ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأَسْتَاذِ!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. عین الفعل (حرف اصلی دوم) در ماضی باب «مفاعلة» فتحه (-) است، به عبارت دیگر ماضی آن بر وزن «فاعَلَ» می آید، بنابراین «شاهدوا» درست است، هم چنین «مُكْسَّرَةً» با حرکت فتحه بر روی عین الفعل (حرف سین) صحیح است، زیرا اسم مفعول (به معنی: شکسته شده) است، نه اسم فاعل.

«برنامه‌ای را یافتم که مرا در آموختن عربی کمک می‌کند!» عین التعریب الصحیح:

(۱) حصلتُ على البرنامج الذي يُساعد لي تعلّم العربية! (۲) رأيتُ البرنامج و هو يُساعدني لتعليم اللغة العربية!

(۳) وجدتُ برنامجاً يُساعدني في تعلّم العربية! (۴) أخذتُ برنامجاً يُساعد في تعليم اللغة العربية

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «برنامه‌ای»: (نکره) برنامجاً (رد گزینه‌ی ۱) / «یافتم»: وجدتُ (رد سایر گزینه‌ها) / «مرا

کمک می‌کند»: يُساعدني / «آموختن عربی»: تعلّم العربية (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

توجه کنید که: «تعلیم»: یاد دادن - «تعلّم»: یاد گرفتن

(۱) رَغِبْتُ فِي الصَّدَقِ رَغْبَةً كَثِيرَةً: تو به صداقت، بسیار تمایل پیدا کردی!

(۲) يُجَاهِدُ الْمُؤْمِنُ فِي اللَّهِ مَجَادَّةً: مؤمن (و نه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می کند!

(۳) يَتَوَكَّلُ صَدِيقِي عَلَي رَبِّهِ تَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ: دوستم بر پروردگارش توکل می کند هم چون توکل مؤمنان!

(۴) يَبْلُغُ الْمَجْتَهِدُ أَمَالَهُ بَلُوغًا، وَ أَنَا كُلُّ يَوْمٍ أَتَمْنَاهُ: انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «و نه کس دیگر» در ترجمه نادرست است، دقت کنید که چنین عبارتی نشان دهنده‌ی اسلوب حصر است، در حالی که در این عبارت مفعول مطلق داریم، نه حصر. هم چنین «راه» در عبارت عربی داده شده، معادلی ندارد.

عَيْنَ الْخَطَا:

(۱) إِنْ نَأْخُذُ مِنْ أَمْوَالِنَا تَنْقُصُ بِمَرُورِ الْأَيَّامِ،: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می‌شود،

(۲) وَلَكِنْ عِنْدَمَا نُعْطِي الْأَخْرِيْنَ مِنْ عِلْمِنَا وَنُعَلِّمُهُمْ،: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آنها آموزش می‌دهیم،

(۳) يَكْثُرُ عِلْمُنَا، لِأَنَّ فِي التَّعْلِيمِ تَكَرَّرَ الدَّرْسَ لِأَنْفُسِنَا،: علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،

(۴) فَالْعِلْمُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ لِأَنَّهُ لَا زَوَالَ لَهْ! : پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. دقت کنید که «قطعاً» در ترجمه اضافی است، هم‌چنین «لا» نفی جنس درست ترجمه نشده است.

ترجمه‌ی صحیح: «پس علم از مال بهتر است، زیرا هیچ زوالی (نابودی) ندارد!»

«لَمَّا نَقَلْتُ لَصَدِيقِي الْخَبَرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مَرَارًا قَبْلَ هَذَا!»:

(۱) آن‌گاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!

(۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
(۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!

(۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «لَمَّا»: هنگامی که، وقتی که / «نَقَلْتُ»: نقل کردم (رد گزینه‌ی ۴) / «الْخَبَرَ الَّذِي...»: خبری که ... (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «كُنْتُ أَسْمَعُ»: (ماضی استمراری) می‌شنیدم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ»: (ماضی بعید) شنیده بودم (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «هَذَا الْخَبَرَ»: این خبر را / «مَرَارًا»: بارها / «قَبْلَ هَذَا»: قبل از این تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «گفتم، این خبر را، می‌شنوم» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «این خبر را، نیز، شنیده‌ام» نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «داشتم نقل می‌کردم، شنیده بودم، هم» نادرست‌اند.

«طلبت أمنا من المنظفين أن ينظفوا هذه الغرف جيّداً، فنظّفوها و صارت الغرفُ نظيفةً!» عيّن الترجمة الصحيحة:

(۱) مادرمان از نظافت کنندگان خواست که آن اتاق را خوب تمیز کنند، وقتی آنرا نظافت کردند، تمیز شد!

(۲) مادر ما از نظافتچی‌ها درخواست کرد که این اتاق‌ها را برای این که تمیز شود، نظافت کنند، و اتاق‌ها نظیف شد!

(۳) مادرمان، از نظافتچی‌ها خواست که این اتاق‌ها را خوب نظافت کنند، پس آن‌ها را نظاف کردند، و اتاق‌ها تمیز شد!

(۴) مادر ما از کسانی که نظافت می‌کنند درخواست کرد که این اتاق را نظافت کنند، آن‌ها هم پس از این که آنرا تمیز کردند، اتاق نظیف شد!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «طلبت»: خواست / «أمنا»: مادرمان / «المنظفين»: نظافت کنندگان، نظافتچی‌ها (رد گزینه‌ی

(۴) / «أن يُنظفوا»: که تمیز کنند، که نظافت کنند (رد گزینه‌ی ۲) / «هذه الغرف»: این اتاق‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) /

«نظّفوها»: آن‌ها را نظافت کردند (رد سایر گزینه‌ها) / «صارت»: شد / «نظيفةً»: تمیز

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «آن اتاق، خوب، وقتی آنرا» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۲: «برای این که تمیز شود، عدم ترجمه‌ی (نظّفوها)» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «کسانی که نظافت می‌کنند، این اتاق، پس از این که آنرا» از موارد نادرست‌اند.

«لهذه المحافظة عددٌ كثير من المصانع، كما لها صناعات تُصنَع بيد الإنسان و قد كانت معروفةً منذ القديم!»:

(۱) این استان تعداد بسیاری کارخانه دارد، همان‌طور که دارای صنایعی است که به دست انسان ساخته می‌شود و از قدیم معروف بوده است!

(۲) این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است، همان‌طور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم شناخته شده است!

(۳) تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است، همان‌گونه که دارای صنعت‌هایی است که به دست انسان ساخته شده و از زمان‌های گذشته معروف شده بود!

(۴) برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است، همان‌گونه که برای آن صنعت‌هایی است که با دست انسان ساخته می‌شود و از گذشته معروف بوده است!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لهذه المُحافظة»: این استان ... دارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «عددٌ كثيرٌ»: تعداد بسیاری / «المصانع»: کارخانه‌ها / «كما»: همان‌طور که، همان‌گونه که / «صناعات»: صنایعی / «تصنع»: (جمله وصفیه) که ساخته می‌شود (رد سایر گزینه‌ها) / «بید الانسان»: به دست انسان / «قد کانت»: بوده است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «مُنذ القديم»: از قدیم (رد گزینه‌های ۳ و ۴) تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: «ساخته شده است، بود» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «برای این استان است، ساخته شده، زمان‌های گذشته» از موارد نادرست‌اند.

«شجراتُ حدیقتنا ذات غصونِ نضرةٍ لأنَّ اهتمامنا بشؤونها کثیر!» عین الترجمة الصحیحة:

(۱) باغ ما درختانی دارد با شاخه‌های باطراوت زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است!

(۲) به خاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای شده است!

(۳) درختان باغ ما دارای طراوت و تر و تازگی هستند زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است!

(۴) درختان باغ ما دارای شاخه‌های تر و تازه‌ایست زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «شجراتُ حدیقتنا»: درختان باغ ما (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «ذات»: دارای (رد گزینه‌ی ۱)

/ «غصونِ نضرة»: شاخه‌های تر و تازه (رد گزینه‌ی ۳) / «لأنَّ»: زیرا / «اهتمامنا»: توجه ما (رد گزینه‌ی ۱) / «شؤونها»:

کارهای آن (رد گزینه‌ی ۲) / «کثیر»: بسیار. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «باغ ما درختانی دارد، بسیار رسیدگی شده است» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۲: «به خاطر رسیدگی، امور باغ، درختان آن، شده است» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «دارای طراوت و ...» از موارد نادرست‌اند.

«الغريب في هذه الظاهرة أنّ الأسماك متعلّقة بمياه المحيط الأطلسيّ الذي هو أبعد من هناك بمائتي كيلومتر!»:

(۱) عجيب است در این پدیده که ماهیان متعلّق به آبهای اقیانوس اطلسی است که دویست کیلومتر دور از آنجا است!

(۲) عجیب در این پدیده این است که ماهی‌ها به آبهای اقیانوس اطلسی که دویست کیلومتر دورتر از آنجا است تعلّق دارد!

(۳) در این پدیده، شگفت‌آور است که این ماهیان به آبهای اقیانوس اطلسی تعلّق دارند که از آنجا دویست کیلومتر دورتر است!

(۴) در این پدیده، شگفتی در این است که این ماهی‌ها به آبهای اقیانوس اطلس متعلّقند که از آنجا دویست کیلومتر دور می‌باشد!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «الغريب»: عجيب (رد گزینه‌ی ۳) / «هذه الظاهرة»: این پدیده / «أنّ»: این است که /

«الأسماك»: ماهی‌ها (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «مياه المحيط الأطلسيّ الذي ...»: آبهای اقیانوسی اطلسی که ... / «أبعد»:

دورتر (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «هناك»: آنجا / «مائتي كيلومتر»: (= مائتين كيلومتر) دویست کیلومتر

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «است، دور» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «شگفت‌آور، این ماهیان» از موارد نادرست‌اند.

«يُستخرج زيت خاص من كبد الحوت و هو يُستعمل في صناعة مواد التجميل!» عيّن الترجمة الصحيحة:

(۱) از کبد نهنگ روغنی خاص استخراج می‌شود که در ساختن مواد آرایشی به کار می‌رود!

(۲) روغنی خاص را از کبد نهنگ استخراج می‌کنند که در صنعت مواد زیبایی به کار می‌رود!

(۳) این روغن مخصوص را از جگر نهنگ استخراج می‌کنند که در ساختن مواد زیبایی کاربرد دارد!

(۴) کاربرد این روغن مخصوص که از جگر نهنگ استخراج می‌شود در صنعت مواد آرایشی می‌باشد!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «يُستخرجُ»: استخراج می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «زيتُ خاصٌ»: روغنی خاص (رد

گزینه‌های ۳ و ۴) / «الحوت»: نهنگ / «يُستعملُ»: به کار می‌رود (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «صناعة»: ساختن / «موادُ

التجميل»: مواد آرایشی. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: «استخراج می‌کنند» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۳: «این روغن مخصوص، استخراج می‌کنند» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «کاربرد این روغن مخصوص می‌باشد» از موارد نادرست‌اند.

(لا تَهِنُوا و لا تَحْزَنُوا و أنتم الأعلون ...) عَيْن التَرْجُمَة الصَّحِيحَة:

(۱) سستی مکنید و غمگین مشوید زیرا شما برتر هستید...

(۲) سست مشوید و غم مخورید در حالی که شما هستید برتران ...

(۳) شما را «وهن» دست ندهد و دچار حزن نشوید چه شما هستید برتران ...

(۴) دچار «وهن» و سستی نشوید و غم مخورید چه برتر از همه شما هستید ...

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «لا تَهِنُوا»: سست نشوید (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لا تَحْزَنُوا»: غم مخورید، غمگین مشوید

/ «و أنتم الأعلون»: در حالی که شما برترید، در حالی که شما هستید برتران (رد سایر گزینه‌ها)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «زیرا» نادرست است.

گزینه‌ی ۳: «شما را ... دست ندهد، دچار ... نشوید، چه شما هستید» از موارد نادرست‌اند.

گزینه‌ی ۴: «دچار ... نشوید، چه برتر از همه شما هستید» از موارد نادرست‌اند.

عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْجُزْءِ الَّذِي قَدْ أُكِّدَ:

(١) إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! (اللَّهُ)

(٣) حَدَّرْتَنِي تَجَارِبُ الْحَيَاةِ تَحْذِيرًا! (تَجَارِبُ الْحَيَاةِ)

(٢) إِحْمِنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حِمَايَةً! (ضَمِيرُ الْيَاءِ)

(٤) إِنَّ الْعِلْمَ يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ وَ يُكْرِمُهُ (الْجُمْلَةُ بِأَجْمَعِهَا)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. صورت سوال گزینه‌ای را می‌خواهد که درست را در قسمتی که تأکید شده است داخل پرانتز مشخص کرده است.

در این عبارت إِنَّ از حروف مشبیه به فعل است و اللَّهُ را تأکید کرده است.
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: حِمَايَةً مفعول مطلق تأکیدی است و فعل إِحْمِنِي را تأکید کرده است.

گزینه ۳: تَحْذِيرًا مفعول مطلق تأکیدی است و فعل حَدَّرْتَنِي را تأکید کرده است.

گزینه ۴: إِنَّ از حروف مشبیه به فعل است و الْعِلْمَ را تأکید کرده است.

عَيْنَ مَا فِيهِ تَوْصِيْفٌ لِلنَّكْرَةِ (الجملة الوصفية):

١) أَحِبُّ أَنْ أَزُورَ «حَامِداً» وَهُوَ غَائِبٌ عَنَّا مُنْذُ سَنَةٍ!

٢) الكعبة الشَّريفة بناء مقدَّس بناه «إبراهيم» عليه السَّلام!

٣) عُرِفَ «حافظ» عارفاً وَهُوَ قَدْ اسْتَفَادَ مِنْ لُغَةِ الْقُرْآنِ فِي أَيْبَاتِهِ!

٤) أسرة «صادق» ما عرفت «منصوراً» كان يشتغل في المزرع معه!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که جمله وصفیه در آن باشد.

در این عبارت بناءً مقدَّس اسم نکره است و جمله فعلیه بناه ... جمله‌ی وصفیه است. (کعبه شریف بنای مقدَّسی است که ابراهیم (ع) آن را ساخت)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: حامداً معرفه علم است.

گزینه‌ی ۳: حافظ و عارفاً هر دو علم هستند.

گزینه‌ی ۴: صادق و منصوراً هر دو علم هستند.

«من في الحياة، ف على الله!». عَيْنِ الْخَطَأِ لِلْفِرَاقِينَ:

(١) أَرَادَتْ أَنْ تَفُوزَ / لَتَتَوَكَّلُ (٢) يُحِبُّ أَنْ يَنْجَحَ / لِيَتَوَكَّلُ

(٣) تُحِبُّ أَنْ تَنْجَحِي / عَلَيْهَا أَنْ تَتَوَكَّلُ (٤) أَرَادَ أَنْ يَفُوزَ / عَلَيْهِ أَنْ يَتَوَكَّلَ

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ٣ بین «تُحِبُّ» و «تنجحي» از نظر ساختار تناسب وجود ندارد، هم چنین حرف گزینه ٣ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ٣ بین «تُحِبُّ» و «تنجحي» از نظر ساختار تناسب وجود ندارد، هم چنین حرف آن فعل مضارع را منصوب می‌کند و صحیح آن آن تتوکل است.

عَيْن ما لِيَس فيه نون الوقاية:

(١) أَحْسِنِي إِلَى الْمَسَاكِين دَائِماً يَا أُخْتِي الْعَزِيزَةَ!

(٢) إِلَهِي ، أَحَبِّكَ لِأَنَّكَ تَجْعَلُنِي فِي أَعْيُن النَّاسِ كَبِيراً!

(٣) قَدْ أَعْطَانِي وَالِدَايَ مَا أَسْتَجِيبُ إِلَيْهِ فِي طَوْلِ الْإِيَّامِ!

(٤) اِنتَخَبْتَنِي هَذِهِ الْأَسْرَةَ لِمُسَاعَدَةِ أَوْلَادِهَا فِي فَهْمِ الدَّرُوسِ!

گزینه ١ پاسخ صحیح است. سوال گزینه‌ای را می‌خواهد که نون وقایه در آن نیامده باشد.

در گزینه‌ی ١ «أَحْسِنِي» فعل امر از باب افعال و برای مفرد مؤنث مخاطب است و حرف «نون» جزء حروف اصلی فعل (حسن) است.

نکته‌ی درسی: نون وقایه بین فعل و ضمیر «ی» متکلم و حده به کار می‌رود.

عَيْنَ كَلِمَةِ «الْخَيْرِ» لَيْسَتْ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(۱) الخیر فی ما وقع!

(۲) خیر الناس من یُجبر نفسه علی الخیر!

(۳) خیر الأعمال أوسطها!

(۴) أحب أن أقوم بخیر الأعمال فی الحياة!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کلمه «خیر» اگر به معنی بهتر یا بهترین باشد اسم تفضیل است.

در گزینه‌ی ۱ الخیر به معنی خوبی است و اسم تفضیل نیست (خوبی در چیزی است که اتفاق افتاد) تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۲: بهترین مردم کسی است که خودش را به کار خیر مجبور می‌کند (خیر اول اسم تفضیل است).

گزینه‌ی ۳: بهترین کارها میانه‌ترین آنها است. (خیر اول اسم تفضیل است).

گزینه‌ی ۴: دوست دارم که به انجام بهترین کارها در زندگی بپردازم. (خیر اسم تفضیل است).

عیّن ما فيه جمعٌ سالم للمؤنث:

(۱) أجمل الأصوات لصوت القرآن!

(۳) هذه الأبيات تتعلّق بشاعر كبير!

(۲) أوقات الدراسة تبدأ من الثامنة صباحاً!

(۴) تبدأ الإدارات عملها من الثامنة صباحاً!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سوال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن جمع مؤنث سالم به کار رفته باشد.

در گزینه‌ی ۴ الإدارات جمع مؤنث سالم و مفردش الإدارة است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: الأصوات جمع مکسر «صوت» است.

گزینه‌ی ۲: أوقات جمع مکسر «وقت» است.

گزینه‌ی ۳: الأبيات جمع مکسر «بیت» است.

عیّن ما فيه المتضاد:

(۱) هذه القرية قرب المدينة و يعمل أكثر الناس فيها بالزراعة!

(۲) اليوم اشتريت الأم لباساً رخيصاً لولدها بمناسبة يوم ميلاده!

(۳) في بداية الأمر لم يُشاهد تقدماً في عمله ولكنه في النهاية نجح!

(۴) صارت هذه الطالبة ناجحةً و أصبح والداها مسرورين و أعطياها جائزة!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سؤال گزینه‌ای را که در آن متضاد به کار رفته است می‌خواهد.

در این عبارت بین بداية (آغاز) و نهاية (پایان) تضاد وجود دارد.